

## دو الگوی سیاست ورزی ایرانی

سیاست ورزی فعالان جامعه چه الگویی بایستی داشته باشد تا حضور آنان مستمر باشد؟

یادداشت آقای مهندس محمد توسلی در ضمیمه هفتگی اعتماد ملی:

۸۷/۱۰/۲۱

این نکته را شاید همه روشنفکران جامعه ما، مذهبی و غیر مذهبی، با نگاه های راست یا چپ، با تعابیر متفاوت گفته اند که: "تلاش روشنفکران ما در صد سال اخیر، از انقلاب مشروطه تا کنون، برای رفع موانع توسعه کشور و پاسخ به مطالبات تاریخی مردم موفق نبوده است!". برخی سیر تحولات جامعه ما را از زمان امیر کبیر با میجی در ژاپن مقایسه می کنند و در جمع بندی توسعه نیافتگی جامعه ما را، به رغم برخورداری از نیروی انسانی با استعداد و منابع طبیعی فراوان، مورد پرسش جدی قرار می دهند و به دنبال آسیب شناسی این مشکل اجتماعی هستند. در این راستا صاحب نظران دیدگاه ها و تحلیل های مختلفی ارائه کرده اند و برای ریشه یابی این معضل و برون رفت از آن راهکارهایی نیز ارائه داده اند.

به عنوان نمونه می توان به تلاش های شادروان مهندس بازرگان، در آستانه چهاردهمین سالروز درگذشتش، اشاره کرد که این مقوله در بسیاری از آثار آن مرحوم به چشم می خورد: سر عقب افتادگی ملل مسلمان (۱۳۳۰)، احتیاج روز (۱۳۳۶)، مزایا و مضار دین (۱۳۳۹)، چرا با استبداد مخالفیم (۱۳۴۲)، سازگاری ایرانی (۱۳۴۳)، آفات توحید (۱۳۵۶)، گمراهان (۱۳۶۲)، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا (۱۳۷۱)، بازیابی ارزش ها (چهار جلد) و ... مهندس بازرگان در آثار خویش ریشه اصلی این مشکل را از جمله تاثیر فرهنگ دیرین استبدادی در خلق و خوی ما ایرانیان سراغ می دهد که مانع توسعه انسانی، تقویت روحیه کارجمعی و شکل گیری نهادهای مدنی شده است. در غیاب احزاب و نهادهای مدنی ریشه دار و توسعه یافته فرهنگ استبدادی در مقاطع مختلف بازتولید شده و عملاً از شکل گیری دولت کارآمد و مردمی که بتواند با تامین امنیت و ثبات سیاسی و جلب مشارکت همه جانبه مردم برای توسعه پایدار کشور برنامه ریزی کند و به نیازهای واقعی مردم پاسخ گوید، جلوگیری کرده است.

تردیدی نیست که در این فرآیند علاوه بر عوامل درونی که به آن ها اشاره شد موقعیت ژئوپولیتیک ایران و استیلای بیگانگان در یکصد سال گذشته همواره عامل موثر دیگری برای توسعه نیافتگی کشور بوده است.

با این مقدمه اجمالی در این یادداشت مایلیم به چالش نظری که روشنفکران جامعه ما در خصوص نحوه و شکل سیاست ورزی روبرو هستند و به طور مشخص به بررسی دو دیدگاه یا دو الگوی سیاست ورزی بپردازیم.

بعد از انقلاب مشروطه در هر دوره ای احزاب و گروه های سیاسی تشکیل شده اند. اما به دلایلی ، که بایستی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد، از جمله نداشتن روحیه و تربیت کار جمعی و این که بسیاری از احزاب توسط حاکمان با رانت قدرت برای اهداف خاصی شکل گرفته است و به علاوه خیانت برخی از احزاب به منافع ملی، مردم در گذشته نگاه مثبتی به احزاب و حضور و مشارکت در آن ها نداشته اند. جالب توجه است که بسیاری از فعالان سیاسی در گذشته با افتخار اظهار می کردند که جزو هیچ حزب و گروه سیاسی نیستند! حاکمان اقتدار گرا نیز که حضور احزاب و نهادهای مدنی را مخل تداوم قدرت خود می دانستند، همواره با مانع تراشی برای شکل گیری و یا حضور احزاب مردم نهاد ، فرهنگ بدبینی مردم نسبت به عملکرد و جایگاه احزاب و نهادهای مدنی را با توسعه رفتارهای پوپولیستی ، دامن می زدند.

در فرایند تحولات صد سال اخیر و توسعه علوم اجتماعی و بهره گیری از تجربیات بشری در زمینه سازو کارهای حکمرانی خوب و راهکارهای تجربه شده برنامه ریزی توسعه همه جانبه و پایدار، این جمع بندی در گفتمان غالب فعالان سیاسیدیده میشود که بدون مشارکت واقعی مردم (توسعه سیاسی) اجرای موثر برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر نیست و مشارکت قانونمند مردم نیز از طریق حضور در احزاب و نهادهای مدنی عملی است.

خوشبختانه امروز بیش از پیش به ضرورت تقویت احزاب و نهادهای مدنی به وسیله جناح های مختلف ، حتی محافظه کاران ، مطرح می شود. در شرایط کنونی، به رغم موانع پیش رو، بایستی این ذهنیت را گام مثبتی در جهت فرایند تقویت دموکراسی ارزیابی کرد .

اما دستیابی به شرایط مطلوب با راهبرد اصلاحات در کوتاه مدت میسر نیست . دستیابی به آزادی های اساسی، دموکراتیزه کردن ساختار قدرت و تامین حداقل های حقوق بشر نیازمند زمان و طی فرایند طولانی است و تلاش مستمر فعالان سیاسی- اجتماعی را می طلبد.

در چنین شرایط و روندی سیاست ورزی فعالان جامعه چه الگویی بایستی داشته باشد تا حضور آنان مستمر باشد؟ آیا این فعالان بایستی حرفه ای و تمام وقت در خدمت این اهداف باشند؟ چه اقشاری از جامعه بایستی بار این مسئولیت را به عهده گیرند؟ در شرایطی که

فعالیت احزاب و نهادهای مدنی مردم نهاد با محدودیت روبرو باشد چه میزان نیروهای تمام وقت می توانند برای مدت طولانی این بار سنگین را بر دوش بگیرند؟  
برای پاسخ به این پرسش ها در اینجا دو الگو تجربه شده را مطرح می کنیم تا مورد بررسی و نقد صاحب نظران قرارگیرد :

**الگوی اول**، حضور تمام وقت یا نسبتاً تمام وقت فعالان سیاسی اجتماعی در احزاب و نهاد های مدنی است تا سیاست ورزی به صورت حرفه ای و تخصصی شود و با چنین تمرکزی زمینه پیشرفت این نهاد ها فراهم شود.

در کشورهای توسعه یافته که احزاب سیاسی به صورت قانونمند فعالیت دارند و افراد با تخصص های مرتبط با علوم سیاسی و اجتماعی در آنها حضور دارند، سیاست ورزی می تواند حرفه ای باشد زیرا این افراد در چارچوب تخصص خود در این نهادها خدمت می کنند و این امر کاملاً طبیعی است .

اما در کشورهای در حال توسعه که فعالیت در احزاب سیاسی و نهادهای مدنی همواره با محدودیت و هزینه روبروست، تجربه نشان داده است که صاحبان تخصص علوم سیاسی کم تر خود را مستقیماً درگیر فعالیت های سیاسی کرده اند و بیش تر با نهادهای مرتبط با قدرت همکاری دارند. از این رو سیاست ورزی در این الگو همواره با چالش روبروست زیرا افراد معدودی می توانند در این شرایط در کار سیاست مشارکت داشته باشند.

**الگوی دوم** ، حضور نیمه وقت یا پاره وقت فعالان سیاسی- اجتماعی به صورت گسترده است. در این الگو چون فعالان سیاسی به لحاظ معیشتی وابسته به حزب و یا قدرت نیستند می توانند در شرایط مختلف، زندگی مستقل خود را داشته باشند و به حزب نیز کمک کنند . با مدیریت نیروی انسانی گسترده، در این الگو امکان توسعه تشکیلاتی و دوام آن در شرایط بحرانی بیش تر عملی به نظر می رسد .

در گذشته شاهد نمادهایی از هر دو الگو بوده ایم و می توان عملکرد آنان را، البته در شرایط مساوی، مورد ارزیابی قرار داد.

مرحوم مهندس بازرگان نمونه شاخص الگوی دوم است. او حدود ۶۰ سال زندگی اجتماعی خود را به صورت منظم و برنامه ریزی شده در عرصه علمی (استاد دانشگاه ) ، در عرصه اجتماعی و فرهنگی (خدمات فرهنگی و تاسیس نهادهای مدنی) و عرصه سیاسی (تاسیس نهضت آزادی ایران، مدیریت انقلاب ،حضور در قدرت و سپس در جایگاه اپوزیسیون قانونی) مدیریت کرده است . بررسی بیش از ۲۰۰ اثر مهندس بازرگان نشان می دهد که در طول زمان تعداد آن ها در هر سال رقم نسبتاً ثابتی را تشکیل می دهد.

مهندس بازرگان خود در پاسخ به این سوال که چرا با وجود موقعیت علمی خود در دانشگاه وارد عرصه سیاست شده است در مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ چنین می گوید: " من همیشه طرفدار و مبلغ این فکر بودم که هر وقت در مملکت نانوا نانش را خوب پخت، زارع گندم و محصول خوب و فراوان بیرون آورد ، معلم معلم خوب بود، شاگرد درس حسابی خواند، وزیر کار وزارتش را با درستی و صلاحیت انجام داد ، وکیل و روزنامه نویس و سیاست مداران هم در کارشان متمرکز و متبحر شدند، مملکت درست می شود. بنابراین وظیفه ملی و ساسی هرکس این است که کار مربوط به خود را با حداکثر علاقه و جدیت انجام دهد... اما روزی که مسئولین و متصدیان به وظیفه خود عمل نکردند بلکه خلاف آن را انجام دادند و دزد و خائن بودند، همه کس مجبور است همه کاره شود. استاد دانشگاه هم، به داد و فریاد سیاسی بپردازد... (مجموئه آثار ۶-۲۵۶)

دکتر علی شریعتی در عرصه فرهنگی- اجتماعی نمونه الگوی اول است. او در طول سالهای ۱۳۵۲-۱۳۴۷ در حسینیه ارشاد تمام تلاش خود را متمرکز کرد و به صورت انفجاری در هر سال بیش از ۱۰ اثر از خود برجای گذاشت. که البته آثار خدمات فرهنگی او نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی مخاطب دارد. بنیانگزاران و فعالان سازمان های انقلابی دهه ۴۰ نیز که در عرصه اعتقادی-تشکیلاتی - نظامی متمرکز شدند از نمونه های الگوی اول هستند که به طور طبیعی نمی توانستند عمر طولانی داشته باشند. شاید الگوی سومی در هر سازمان به صورت ترکیب الگوی اول و دوم با برنامه ریزی و مدیریت لازم بتواند کارآمد باشد

به طور خلاصه برای استمرار فعالیت فعالان سیاسی - مدنی و انباشت تجربه آنان در اینگونه سازمان ها و تقویت احزاب و نهادهای مدنی در شرایط سیاسی - اجتماعی کنونی بررسی چالش های سیاست ورزی در ایران و ارائه راهکارهایی برای برون رفت از مسائل جاری آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و می توان موضوع را در جلساتی با حضور صاحب نظران مورد بررسی و پیگیری قرار داد.